



میر عبدالواحد سادات

## داشتن استراتژی ملی در مقابله با پاکستان

واقعیت قرار داشتن پاکستان بمثابة مرکز امن برای شرارت پیشه گان جهان و نقش دولت آنکشور بحیث حامی تروریسم ، چنان آفتابی گردیده است که سرانجام در بحث های رسمی و علنی مجلس نمایندگان ، کنگره و دیگر مجامع امریکایی نیز بدان اعتراف صورت گرفته است. شاهدان و منجمله آقای خلیل زاد دیپلمات سرشناس امریکایی افغان الاصل ، با این اعتراف و شهادت در پهلوی اذعان بحقیقت ، به نوعی عذاب وجدانی وتاریخی خود نیز مرهم گذاشته اند.

شاید بهتر بود تا این کلام اقبال لاهوری را در تالار نصب مینمودند که:

**تخم دیگر بکف آریم وبکاریم ز نو  
زانچه کشتیم زخجلت نتوان کرد درو**

ما بخوبی درک مینماییم که این لابی و تدویر جلسه در راستای منافع ملی امریکا انجام میآید و از نخستین گامها برای ترسیم و تعریف جایگاه بعدی پاکستان در بازیهای کلان جیوپولوتیک جهانی خیر میدهد.

قدر مسلم این است که آنچه انجام یافته ، در واقع اثبات حقانیت صدای برحق افغانستان میباشد که طی چهاردهه اخیر قربانی تجاوز و جنگ اعلام نا شده پاکستان میباشد وتروریستان و خرابکاران صادرشده از آنکشور ، دمار از روزگار مردم بیرون نموده وهست و بود آنرا در مقاطع مختلف به مخاطره انداخته اند.

بدین‌رو در احوال کنونی و بخاطر بهره برداری دقیق از جو ایجاد شده ای جهانی ، ضرور است تا در مقابله با پاکستان دارای ستراتیژی ملی باشیم . البته در مورد کم و کیف و چگونگی این ستراتیژی دوستان نظر خواهند داد و بدون شک در گام نخست باید شناخت دقیق از جیوپولوتیسیم حاکم بر منطقه و جهان که بر مبنای آن بازیهای کلان منطقی و جهانی شکل میگیرد ، داشته باشیم ( بازیهای بزرگ که مقدرات تاریخی افغانستان ، پاکستان و ... را تعیین خواهد نمود ) .

همچنان نیاز مبرم است تا ما تعریف دقیق و روشن از منافع ملی خود داشته باشیم و در گام سوم باید متوجه کارهای خانگی خود باشیم که فقط و فقط توسط خود افغان ها انجام یافتنی میباشد .

ما همین اکنون با بحرانهای شدید و خانه بر انداز مواجه میباشیم ( بحران مشروعیت ، بحران سیاسی ، بحران اقتصادی ، بحران اجتماعی و ... ) و خطرناکتر از همه بحران اعتماد در مقیاس ملی میباشد ( به گفته وطنی ما ، یکی ما ت میگوییم و دیگری از تیاق صحبت مینماید ) یکی در فکر لوی افغانستان است و دیگری عجله برای شناخت دیورند ، دارد و دیگری پلان تجزیه ... پاکستان را طراحی مینماید و به یاد باید داشت که:

هیچ کار نمیتوانیم ، تا افغانستان متحد و مقتدر و دولت نیرومند ملی که بر قوای مسلح ملی ( غیر قومی و تنظیمی ) متکی و حاکمیت قانون را ملاک عمل قرار دهد ، نداشته باشیم . و این مامول زمانی سراب نخواهد بود که برای انجام وظایف یاد شده صادقانه گام نگذاریم.